

هرودت در سال ۴۸۴ پیش از میلاد - در زمان خشایار شاه چهارمین پادشا سلسله هخامنشی در شهر هالیکارناس یا «بودرم» کنونی در جنوب غربی ترکیه و در کنار دریای اژه که در آن دوران جزء متصرفات دولت هخامنشی بود متولد گردید. بنابراین از نظر زادگاه ایرانی بشمار می‌رود.^۱

هرودت که ظاهراً بعل سیاسی مجبور بر ترک وطن شده بود، در دوران جوانی به سیر و سفر پرداخت و از بخشهای شمالی کرانه دریای سیاه، آسیای صغیر، فنیقیه (لبنان)، مصر، بابل و شاید سرزمین ماد و پارس و سپس مقدونیه دیدن کرد. وی در نتیجه این سیر و سیاحت کتبی چند در تاریخ، عادات و رسوم و اخلاق کشورهای مزبور به رشته تحریر در آورد.^۲

طبق عقیده غالب و شایع، هرودت در حدود سال ۴۴۷ ق.م وارد آتن شد و سخنرانیهایی در ملا عام ایراد نمود و به محفل دانشمندان و ادیبانی که گرد پهلوان آن روز دمکراسی آتن یعنی پریکلس جمع بودند، پیوست و تحت تأثیر محفل مزبور در یادداشتهای خویش دست برد و آن اوراق را مورد تجدید نظر قرار داد. گویا این تجدید نظر بر اثر فشار آتینان بوده است که وی را متهم به حمایت از ایران می‌کردند. بهرحال هرودت پس از تجدید نظر، نوشته‌های خود را به شکل تاریخ بزرگ آسیا و اروپا درآورد. وی در جنوب ایتالیا «فورییا» نیز در تکمیل تاریخ خویش کوشید و ظاهراً در حدود سال ۴۲۵ ق.م در همانجا درگذشت و چنان که باید به اتمام تألیف خود کامیاب نگردد.^۳

نحوه پژوهش هرودت: گرچه هرودت از تألیفات اسلاف خویش استفاده کرده است و بویژه با نوشته‌هایی هکاته، هالانیک و دیونیس مورخان پیش از خویش آشنا بوده ولی در تحریر کتاب خود بر رویهم و به طور کلی، تحقیقات شفاهی را پایه قرار داده است. بویژه در مورد تاریخ ماد، بعقیده قریب باتفاق محققان از گفته‌های شفاهی اعیان پارس و از جمله «ژویبر» که به آتن مهاجرت کرده بود و نماینده یکی از مشهورترین خاندانهای پارسی بوده بهره گرفته است. وی احتمالاً از اظهار نظر یکی از اخلاف هارپاگ (سردار ایختیویگو آخرین شاه ماد که به کورش پیوست) که بعداً در ناحیه لیکه آسیای صغیر - نزدیک زادگاه هرودت مسکن گزیده و در آن املاکی داشته نیز استفاده نموده است. این گونه افراد می‌توانستند، اطلاعات نسبتاً موثق ولی یک جانبه‌ای درباره داستانها و روایت به او بدهند.^۴

تاریخ هرودت که هدف اصلیش ماجرای جنگهای یونان و ایران - جنگهای مدیک است، غالباً شامل حوادث مربوط به یونان، فنیقیه، مصر و شرق مدیترانه نیز می‌گردد که برای عصر وی تقریباً شامل تمام جهان آن روز می‌شده است - بدین گونه کتاب هرودت اولین تاریخ عمومی جهان بوده است. هرودت می‌نویسد: قصدش از تألیف کتاب آن بوده است تا اعمال بزرگ و قهرمانیهای یونانیان و بربرها و آنچه آنان بخاطرش با یکدیگر جنگیده‌اند فراموش نشود.^۵ میزان درستی مطالب کتاب هرودت:

تاریخ هرودت

اولین تاریخ مکتوب ایران باستان

سید حسین موسوی

لازم به تذکر است که هرودت پدر تاریخ در نقل روایت، امانت داری و انصاف نشان داده است. درست است که گاهی و حتی در موارد زیادی اطلاعات مندرج در کتاب او - با مقابله سایر مدارک نادرست از آب در می‌آید ولی در این موارد همیشه نادرستی و عدم امانت داری از کسی است که اطلاعات را در دسترس وی قرار داده و خود هرودت دخالتی در نادرستی مطلب یا مطالب نداشته است. زیرا هر کجا که هرودت با شخص مطلع و موثق و درستکاری، سروکار داشته، نوشته‌های او را تازه‌ترین مدارک باستانشناسی و خاورشناسی نه تنها به طور کلی بلکه در جزئیات نیز تأیید می‌کنند. یکی از تأییدات عجیب که در مورد صحت و درستی گفته‌های هرودت بدست آمده، همان کشف و ترجمه کتیبه بیستون داریوش اول پادشاه هخامنشی است، زیرا پس از ترجمه کتیبه بوسیله راولین سن، معلوم گردید آنچه هرودت تقریباً یکصد سال بعد از واقعه گئومات نوشته و اسامی شش تن از توطئه کنندگان را که در قتل گئومات شرکت داشته‌اند صحیح بوده است. هرودت تنها در مورد نام یکی از آنان دچار اشتباه شده است ولی در آن مورد نیز نام یکی از نزدیکترین کسان داریوش را ذکر کرده است که شخصاً در آن قتل شرکت نداشت. اگر در نظر بگیریم که نوشته‌های وی مبنی بر روایات شفاهی بوده نه منابع کتبی، آنگاه دقت عجیبی که وی در تنظیم مطالب تألیف خود بکار برده روشن می‌گردد.

متأسفانه با آن که هرودت با چندین روایت و منابع مختلف آشنا بوده است، غالباً یکی از آن روایات را نقل کرده گرچه روایتی را که به نظر او به حقیقت نزدیکتر است بر می‌گزیند و این یکی از اشکالات هرودت محسوب می‌گردد و به همین دلیل نمی‌توان بطور کامل به شم تاریخی وی اعتماد کرد.^۶

از این رو جای تعجب نیست که هرودت مورخ قدیم یونان که تاریخ هنوز او را همچون پدر خویش می‌ستاید از تأثیر مرده ریگ حیات بدوی پیشینیان، روایاتش از اساطیر، حکایات شگفت انگیز و باور نکردنی و نیز از خرافات لب ریز است.^۷ بعنوان مثال: می‌توان به داستان کودکی کورش اشاره کرد که بزعم هرودت عامل اصلی قیام علیه ایختیویگو آخرین شاه ماد بوده، در حالی که عامل اصلی قیام نارضایتی اشراف نظامی از جمله

هارپاگ بوده است.

بهرحال تاریخ هرودت با تمام نارسائیهایش، تنها تاریخ واقعی و مدون دولت ماد است که از دوران باستان به ما رسیده است. این کتاب سررشته‌ای برای تعیین وقایع کشور ماد و بخصوص در دورانی که منابع آشوری مسکوت گذارده‌اند - بدست می‌دهد.^۸ لذا تاریخ هرودت اولین کتاب تاریخی است که در جهان نوشته شده است. این کتاب اولین بار در قرن پانزدهم میلادی در اروپا - از یونانی به زبان لاتینی ترجمه شد و تا قرن گذشته، تنها طبقه ممتاز اروپا آنرا می‌شناخته‌اند. دویست سال پیش از این، سرجان ملکم در کتاب تاریخ خویش، تنها به این جمله اکتفا کرده است که تاریخ پادشاهان باستانی ایران را بالغ بر دو هزار سال پیش بوسیله هرودت یونانی نوشته شده است.^۹

اولین ترجمه انگلیسی تاریخ هرودت بوسیله جرج راولین سن انجام و در چهار جلد انتشار گردید.

اما اولین ترجمه مختصر تاریخ هرودت به زبان فارسی زیر نظر محمد حسن خان اعتماد السلطنه وزیر مطبوعات دولت ناصر انجام گرفت و حدود ۱۲۰ سال پیش در تهران به چاپ سنگی رسید.^{۱۰}

ترجمه دیگری از آن عیناً از روی نسخه‌ای که در ایام جنگ جهانی دوم در لندن چاپ شده بود، در سال ۱۳۲۴ شمسی در تهران منتشر شد. سپس در سالهای ۱۳۴۱-۱۳۴۱ آقای دکتر هادی هدایتی ترجمه تازه‌ای بر متنی فرانسوی در پنج جلد تا کتاب ششم انتشار داد. اما نسخه کامل تاریخ هرودت از روی متن انگلیسی که در مدت بیست سال (۱۹۷۳-۱۹۵۴) دوازده بار در انگلستان تجدید چاپ شده بود بوسیله آقای وحید مازندرانی با عنوان تواریخ هرودت در چاپخانه فرهنگ و هنر بچاپ رسید.^{۱۱}

نتیجه: ابتکار هرودت در این بود که قلمرو مشکوک و شاید خیالی عصر خدایان یونان و قهرمانان را رها کند و توجه خویش را با عزمی راسخ به سوی زمان نزدیکتر و واقعی تر یعنی عصر تاریخ راستین گذشتگان بلافصل خود معطوف بدارد. بدین ترتیب هرودت هم خود را به بازسازی و تفسیر جنگهای مادی مصروف داشت.^{۱۲} نتیجه کوششهای وی هر قدر در نظر ما ابتدایی و یا ساده جلوه کند، باز هم تحت تأثیر استنتاجهایی که تفسیرهای علمی آثار او به خواننده می‌بخشد قرار می‌گیریم.^{۱۳}

پژوهشهای هرودت در سطح مسایلی است که فلاسفه آن را علل ثانویه می‌نامند و از نخستین اصل متافیزیکی درک، جدا می‌دانند. بنابراین اگرچه نوع برداشت از مفهوم علت از دیدگاه هرودت مستلزم در نظر گرفتن مفاهیمی از قبیل تقدیر، سرنوشت یا حسادت خدایان است که از نظر ما غیرقابل قبول و شگفت‌انگیزند اما باز هم نتیجه بدست آمده از چنین پژوهشی مفید و مثبت است زیرا به مرور زمان توجیه تاریخی، مورخ را وادار خواهد کرد تا در مجموعه ادراکاتش، انسان و حق حیات او را هم در نظر بگیرد.^{۱۴}

بقیه در صفحه بعد